مطالعه تطبیقی شیوه‌های حمایت دولتی از نظام آموزش عالی خصوصی و دولتی

مهدی خلفخانی[1]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۱٤

چکیده

نظام آموزش عالی چه در قالب بخش خصوصی و چه در قالب دولتی به دلیل نقش اساسی آن در پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای کشورها به محور برنامه‌های توسعه‌ای کشورها تبدیل گردیده است. مهم‌تر اینکه تغییر رویکرد دولت‌ها در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته نسبت به شیوه مدیریت اجتماع و سیاست منجر به گشایش شرایط بسیار مطلوب‌تری برای حضور بخش خصوصی برای ایفاء نقش‌های آموزشی در کشورها گردیده است. به هر صورت مسئله این است که در حال حاضر رقابت جدی برای خصوصی‌سازی در ارائه خدمات آموزشی آغاز گردیده است. این پژوهش با رویکرد تطبیقی به دنبال بررسی تغییرات پارادایمی رخداده در این حوزه و شیوه‌های حمایت دولت‌ها از نظام آموزش عالی خصوصی و دولتی است. با توجه به این موضوع سؤال اساسی این پژوهش این است که دولت‌های موردبررسی چگونه از نظام آموزش عالی دولتی و خصوصی خود حمایت می‌نمایند؟ نتایج این پژوهش نشان‌دهنده حمایت‌های دولتی از دانشگاه‌های غیردولتی در قالب تأمین اعتبارات مالی، ارائه یارانه‌ها، کمک‌های مالی را در قالب وام و گرنت و تضمین خودمختاری آموزش عالی بوده است. با توجه به این موضوع، این تحقیق در حوزه مطالعات سیاست‌های آموزش عالی قرار دارد. داده‌های این تحقیق از طریق روش اسنادی و با استفاده از داده‌های ثانویه جمع‌آوری و به شیوه‌ی جامعه‌شناختی مورد تحلیل قرارگرفته‌اند.

واژگان کلیدی:
آموزش عالی، دانشگاه‌های خصوصی، دانشگاه‌های دولتی، دولت

[1]. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار Mkhalafkhani@iau-garmsar.ac.ir

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مقدمه

بدون شک رونق و شکوفایی هر نظامی به سیستم آموزشی آن پیوند خورده است. به عبارتی هیچ جامعه‌ی توسعه‌یافته‌ای یافت نمی‌شود که در آن آموزش و نهادهای آموزشی، راهبر توسعه نباشند. می‌توان گفت بحث در مورد توسعه فراگیر و پایدار بدون سرمایه‌گذاری گسترده در نظام آموزش عالی تقریباً موضوع عبثی به نظر می‌رسد؛ اما مسئله مهم در این زمینه این است که خود این موضوع تحت تأثیر متغیرهای دیگری نیز است. به‌عبارتی‌دیگر تنها سرمایه‌گذاری در این حوزه موجبات توسعه فراگیر کشورها نیست، بلکه مهم نوع کارکردی است که از نظام آموزش عالی دنبال می‌گردد که می‌تواند به اشکال متعددی از توسعه رقم زند. از این منظر، کارکردها و کار ویژه‌های مورد انتظار از نظام‌های آموزشی به رویکردها، سیاست‌ها و نوع نگاهی که دولت‌ها در مورد آن اتخاذ نموده‌اند پیوند خورده است.

اینکه دولت‌ها چگونه از آموزش عالی حمایت‌ها می‌کند، به ساختار کراسی‌های سیاسی و رژیم‌های حقوقی بستگی یافته است. رژیم‌ها یا کراسی‌های سیاسی الگوهای هستند که قدرت تصمیم‌گیری دولت‌ها و سازمان از طریق آن اجرا و انتقال می‌یابد. (Burton, Higley,2006:15)

به هر صورت این تحقیق با رویکرد تطبیقی به هدف پاسخ به این سوا لات تدوین‌شده که:

- حمایت‌های دولت از نظام آموزشی دولتی و غیردولتی در کشورهای توسعه‌یافته به چه صورتی است؟
- شیوه‌ها و مکانیزم‌های حمایتی کشورهای درحال‌توسعه از نظام آموزش عالی دولتی و غیردولتی چگونه است؟

مروری بر نظریات

در ارتباط با موضوع آموزش و حکومت دیدگاه‌های نظری بسیار زیادی وجود دارند که با توجه به ماهیت تحقیق برخی از نظریه‌های مرتبط معرفی می‌شوند:

ساختار سیاسی دولت‌ها و آموزش عالی

بدون شک شیوه‌ای که دانشگاه‌ها عمل می‌نمایند به ساختارهای سیاسی و به‌ویژه دولت به‌عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی برمی‌گردد. از دید [وبر] دولت یک‌نهاد سیاسی اجبار و دارای

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

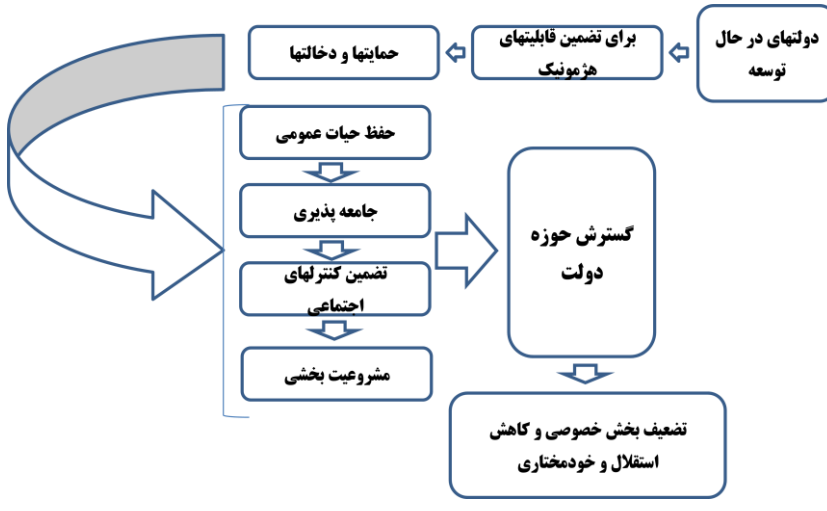
سازمانی مستمر و پیوسته تا آنجا که خود و مقامات اداری آن از حق انحصاری استفاده از زور در اجرایی دستورهای آن برخوردارند است. (محسنی،۱۳۷۰ ص ۲۰)

در مورد گونه شناسی دولت در کشورهای جنوب دیدگاه‌های زیادی مطرح‌شده است. در این خصوص [چارلز تریپ] دولت را به‌عنوان اجزای لاینفک نظام مفروضی از بازیگران محسوب می‌داند که با توجه به سطوح مختلف کارایی به فشارها و جاذبه‌های آن نظام واکنش نشان می‌دهد. این دیدگاه از سنت و تجربه‌ی کلی دولت سازی[1] غربی و از تمایز یابی اجتماعی[2] نشأت می‌گیرد. (حکیمیان و مشاور،۱۳۸۳: صص ۲۶۵-۲۶۶)

مطابق این دیدگاه نظری:

- مشروعیت بخشی به جایگاه هژمونیک به قابلیت‌های بوروکراتیک برای حفظ امکان وضع هنجارها و ارزش‌ها پیوند خورده است.
- تضمین کنترل‌های اجتماعی به حفظ مجموعه گسترده‌ای از ابزارهای حمایتی مرتبط است.
- ماهیت کانال‌های حمایتی ایجاد پیوند ارگانیک الیگارشی حاکم و بنیان‌های اجتماعی است.

به‌عبارتی‌دیگر این موضوع را می‌توان در قالب مدل نظری زیر نشان داد.



[1]State building
[2]Social differentiation

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

آنتونی گیدنز: **دولت و جامعه اطلاعاتی**

یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها درزمینه دولت و جامعه اطلاعاتی توسط آنتونی گیدنز ارائه گردیده است. گیدنز معتقد است، ذخیره منابع اقتدار، پایه‌ی فعالیت‌های نظارتی دولت است. ازاین‌روی توانایی اطلاعاتی و ارتباطی برای دولت و حوزه‌ی سیاسی مهم است. چون اولاً حفظ اطلاعات پیش‌نیازهای ناگزیر اداره و هماهنگی، حفظ و نگهداری انسجام و یکپارچگی ساختارهای پیچیده اجتماعی‌اند دوم، آن‌ها در مراقبت و مهار افراد منحرف اتباع و در نظارت بر نیروهای خارجی (دشمنان بالقوه) نقشی مهمی را ایفاء کرده‌اند و سوم به لحاظ اینکه آن‌ها در فرایند دموکراتیک مباحثه سیاسی در حوزه عمومی، مرکزیت داشته‌اند. (رابینز، وبستر، ۱۳۸۵: ص ۱۵۳)

آنتونی گیدنز معتقد به پیوند برنامه‌ریزی و مهار است. از دید او دولت هم بایستی بر منابع تخصیصی[1] (برنامه‌ریزی، اداره کردن) و هم بر منابع اقتدار[2] (قدرت مهار) تسلط واقعی داشته باشد (رابینز، وبستر، ۱۳۸۵: ص ۱۳۹)

[آنتونی گیدنز] معتقد است که ظهور دولت مدرن منجر به نتایج زیر گردیده است:

- ظهور دولت ملت به شکل مدرن به زمان تثبیت یک دستگاه سیاسی متمرکزشده برمی‌گردد.
- دولت و ملت‌های جدید دارای یک انسجام فرهنگی زبانی هستند.
- دولت‌های جدید به‌جای سرحدات دارای مرز بوده‌اند. (گیدنز،۱۳۸٤: ۸۳-۸۵)

با توجه با نظریه مذکور، قضایای مستخرج از نظریه به‌صورت زیر است:

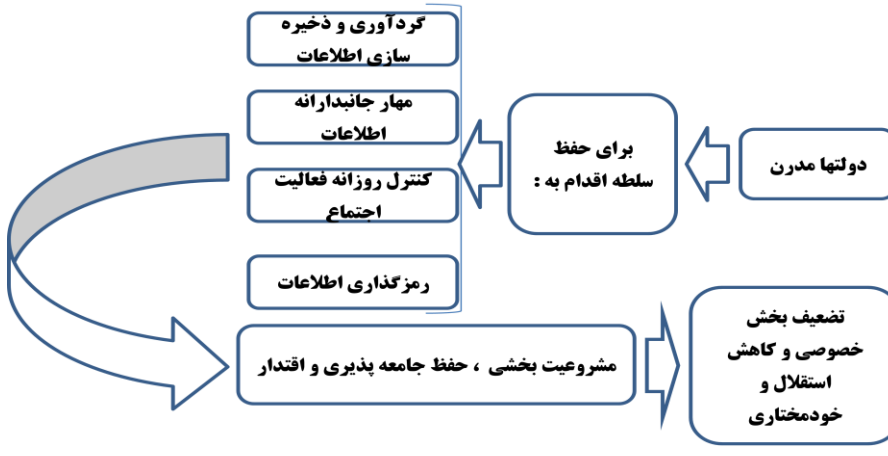
- تابعیت و شهروندی مشترک به موضوع مهمی به نام اطلاعات و چگونگی آن بستگی دارد.
- پیوند برنامه‌ریزی و مهار بدین ترتیب که دولت بایستی برای حفظ سلطه بر منابع تخصیصی (برنامه‌ریزی، اداره کردن) و هم بر منابع اقتدار (قدرت مهار) تسلط واقعی داشته باشد.

[1] A locative Recourse
[2] Alternative Resource

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

- مهار جانب‌دارانه منابع تخصیصی درنهایت به خاطر نیاز دولت به ترکیب و مشروعیت بخشیدن به کارکردهای اجرای و اقتدار غالب است.
- نظارت به‌مثابه بسیج نیروی اجرایی از طریق ذخیره‌سازی و مهار اطلاعات – ابزار اصلی تمرکز منابع اقتدار درگیر در شکل‌دهی به دولت است.
- سلطه اجتماعی تابع سطح بالایی از نظارت و رمزگذاری اطلاعات مربوطه و اداره هدایت بخش‌های مهم جمعیت را مسلم می‌گیرد.

مدل نظری: دیدگاه دولت و جامعه اطلاعاتی آنتونی گیدنز



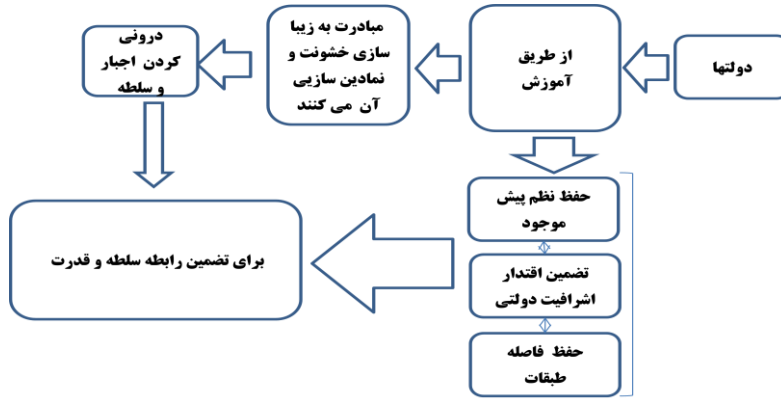
پیر بوردیو: خشونت و قدرت نمادین و جامعه‌شناسی آموزش

پیر بوردیو عالم و جامعه‌شناس فرانسوی است. کلیدی‌ترین مفهوم اندیشه اجتماعی پیر بوردیو[1] خشونت نمادین[2] است. در دیدگاه بوردیو این مفهوم با مفهوم سرمایه نمادین پیوند کاملی دارد. بوردیو در کتاب «بازتولید، عناصری برای یک نظریهٔ نظام‌های آموزشی[3]» که به همراه ژان کلود پسرون[4] تألیف کرده است (۱۹۷۰)، کنش آموزشی یا تدریس را نمونه‌ای گویا از خشونت نمادین می‌شمارد (بوردیو،۱۳۸۹: ص ۱۷)

[1] Bourdie Pierre
[2] Violence Symbolique
[3] theorie du systeme d`enseignement
[4] Jean Claude Passeron

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مدل نظری مهم از آراء دیدگاه پیر بوردیو



رویکرد امیل دورکهایمی: جامعه‌پذیری اجتماعی

دورکهایم معلم تاریخ تئوری‌های آموزش و مهم‌ترین اثر او در این زمینه انتشار کتاب تکامل اندیشه آموزشی (۱۹۳۸) بوده است. از دید او عناصر اصلی آموزش معنوی، روحیه نظم[1] و دومین عنصر آموزش معنوی پیوست به گروه‌ها و سومین آن خودمختاری و استقلال فردی است. (Ritzer,2003)

دورکهایم هدف آموزش‌وپرورش را بیدار کردن و پروراندن آن دسته از حالات جسمانی، فکری و روحی و اخلاقی در کودک است که هم جامعه به‌طورکلی و هم محیط خاصی که وی باید در آن زندگی کند، از او توقع دارند. (باتومور، ۱۳۵۵: ص ۳۰۱.)

ازنظر دورکهایم هدف اساسی نظام آموزشی ایجاد همبستگی اجتماعی با ایجاد پیوند میان کل جمعیت در درون ارزش‌های عرفی است.(Turner,2009)

باتومور: تعلیم و تربیت و نظارت اجتماعی

از دیدگاه باتومور، تعلیم و تربیت رسمی در جوامع جدید به‌عنوان ناقل مستقل عقاید و ارزش‌های دیده می‌شود که تنظیم‌کننده رفتار است؛ بنابراین تعلیم و تربیت در معنای وسیعش یکی از انواع عمده نظارت‌ها اجتماعی هستند که با دیگر انواع نظارت در حال رقابت و گاهی در تضاد می‌باشند. (باتومور، صص ۳۰۹-۳۱۱)

[1] Sprit of discipline

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مروری بر ادبیات پیشین

در ارتباط با آموزش عالی و به‌خصوص آموزش عالی دولتی کارهای زیادی انجام گردیده است. در این قسمت به برخی از کارهای اساسی انجام‌شده در ارتباط با آموزش عالی غیردولتی و دولتی اشاره می‌گردد.

اسمولیکز[1] (۱۹۹۹) در تحقیق خود تحت عنوان «خصوصی‌سازی در آموزش عالی» معتقد است روند خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و آموزش عالی از الگوی واحدی تبعیت ننموده و بیشتر انعکاسی از سنت‌های ملی متفاوت هر یک از این کشورها است. (smolicz,1999)

در کتاب «راهبری جهانی دانشگاه‌ها» نویسنده در بررسی‌های خود نشان داده است که تمایل و جهت‌گیری گسترده‌ای به تمرکز به‌سوی فعالیت‌های خصوصی، بخشی، استاندار شده و داوطلبانه به‌جای نظام مقررات راهبری و کنترل دولت ملت‌ها وجود دارد. ازاین‌روی فعالیت‌های راهبری به‌سوی شبکه‌های راهبری[2] و مشورت و متخصصین سوق پیدا نموده است و ازاین‌روی نظارت‌ها شکل افقی به‌جای نظارت‌های سلسله مراتبی پیدا نموده است. (King,2009:p1)

ربیعی و نظریان (۱۳۹۱) در بررسی‌های خود نشان می‌دهد که فقدان قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، پایین بودن قدرت خرید مردم و عدم توان پرداخت شهریه، وجود مشکلات ساختاری در نظام مدیریت آموزش عالی، فقدان آزادی‌های علمی در دانشگاه‌ها و تمایل دولت به تسلط در امور فرهنگی و اجتماعی از مهم‌ترین چالش‌های آموزش عالی غیردولتی در ایران می‌باشند. (ربیعی، نظریان،۱۳۹۱: ۱۷۲)

[فیلیپ جی آلت بک][3] و [جیمز جی فورست][4] در «کتابچه بین‌المللی آموزش عالی» نتیجه می‌گیرند که مسئولیت اتخاذ سیاست‌های پذیرش دانشگاه‌ها از کشوری به کشوری دیگر متفاوت شده است که شامل مدیریت‌های ملی تا خودمختاری نهادهای و سیاست‌های باز پذیرشی است. از دید نویسندگان درگذشته دانشگاه‌ها به‌صورت گسترده‌ای در حوزه عمومی بودند و به‌عنوان کلاینت نخبگان[5] عمل می‌نمودند، درحالی‌که آموزش عالی در حال حاضر

[1] J.J.smolicz
[2] steerage network
[3] Philip G.Altback
[4] James J.F.Forest
[5] Elite clientele

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

مرکب از نظام‌های پیچیده دانشگاهی متنوع و پیچیده‌تر شده که بخش‌های متعدد از جامعه و جمعیت را پوشش می‌دهد. در این زمینه [مارتین ترو][1] معتقد است توده‌ای شدن آموزش به‌جای دسترسی نخبگان به آموزش عالی است و بیشتر کشورها به پذیرش این مدل روی آورده‌اند. از دید فورست و بک، نتیجه غیرقابل‌اجتناب توده‌ای شدن دسترسی‌ها به‌نظام آموزش عالی، کاهش استانداردها و کیفیت آموزش عالی بوده است.

آن‌ها نتیجه می‌گیرند که با توجه به ابتکارات آموزشی منطقه‌ای که شامل برنامه‌های سقراط و ارسموس در اروپا و برنامه مرکوسور[2] در امریکا و برنامه ASEANو APEC در آسیا و اقیانوسیه هستند، دسترسی دانشجویان به دانشگاه‌های همدیگر افزایش‌یافته است. از سوی دیگر بهره‌مندی از اینترنت دسترسی به منابع اطلاعاتی منظم برای دانشجویان و مؤسسات بوده است.(Altback, Forest,2007:p1-3)

در نقد و بررسی این تحقیقات بایستی گفت تحقیقات انجام‌شده در این زمینه بیشتر متمرکز به غرب و تحولات آموزش عالی و دولت در غرب و جهانی‌شدن است و شرح دقیقی از فضای کشورهای که با درصد کمی از جهانی‌شدن روبرو شده‌اند و الزامات و ضرورت‌های آن نمی‌نماید.

روش‌شناسی:

روش‌شناسی تدوین این پژوهش تطبیقی است. روش تطبیقی روش مقایسه بین دو یا چند جامعه، نهاد، سیستم و ...است. در این روش، مفهوم تفسیر و تعبیر، در صورت‌های مختلف مطرح است. (http://www.aftabir.com/articles/view/religion/philosophy)

با توجه به رویکرد روش‌شناختی این پژوهش، منطق پژوهش حاضر مورد محورانه است که ابتدا به تفسیر پدیده‌های اجتماعی پرداخته‌شده است که ازلحاظ تاریخی مهم هستند که در این زمینه تغییرات پارادایمی نظام آموزش عالی در بستر تاریخی مورد تفسیر قرارگرفته‌اند و در ادامه از سوی دیگر علل دسته دیگر از پدیده‌های اجتماعی (مثلاً علل حمایت‌های دولت‌ها از بخش خصوص و دولتی) مشخص‌شده است. (ریگین چارلز، ۱۳۸۸:٦٤) در روند بعد با توجه به دو کار مذکور شباهت‌ها و سطح حمایت و میزان و سطح آن در مورد پژوهش‌های

[1] Martin Trow
[2] Mercosur

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

انجام‌شده نشان داده‌شده است. همچنین مطابق راهبرد مورد محور اتخاذشده در این پژوهش، نمونه‌های قابل‌مقایسه شناسایی و شباهت‌ها و تفاوت‌های مشخص و مورد تفسیر قرارگرفته‌اند. (ریگین، همان:٦٤)

نمونه‌های انتخابی در این پژوهش دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی در کشورهای منتخب این تحقیق که شامل قسمتی از کشورهای اروپایی و ایالات‌متحده و برخی از کشورهای آسیای است که اطلاعات مربوطه با رجوع به اسناد و داده‌های ثانویه تهیه و از طریق روش‌های ذهنی و تفسیری و تحلیل‌های ثانویه مورد توضیح قرار داده‌شده‌اند. نکته مهم در این تحقیق این است که این تحقیق با رویکردی توصیفی نگاشته شده و به چگونگی به‌جای چرای (تبیین) متمرکز است.

بررسی‌های تجربی:

الف: تغییرات پارادایمی در نظام آموزش عالی: بررسی فضای وستفالیایی و پسا وستفالیایی

به نظر می‌رسد جهانی‌شدن و مسائلی که جهانی‌شدن ایجاد نموده و از سوی دیگر نضج و قوت گیری تئوری دولت حداقلی مهم از اندیشه‌های سیاست تعدیل اقتصادی در بیشتر کشورهای جهان منجر به تغییر پارادایمی گسترده‌ای در نظام آموزش عالی و به‌خصوص در حمایت‌های دولت‌ها در نظام آموزش عالی شده است. آنچه شواهد و قراین نشان می‌دهد این است که الگوی دولت ملت و الگوی وستفالیایی دولت برای سال‌های متمادی الگوی مسلط آموزش در بیشتر کشورها بوده و هست ولی شواهد و قرائن نشان می‌دهد که این الگو درنتیجه چند تحول عمده در حال کم‌رنگ شدن است. برای مدت‌های مدیدی دولت‌ها منحصراً سیاست‌گذار آموزش عالی و سایر سیاست‌گذاری‌ها بودند اما مجموعه‌ای تحولات منجر به تغییر ماهیت و شیوه عمل دولت‌ها گردید. مهم‌ترین پدیده پذیرش الزامات سیاست تعدیل ساختاری بود که منجر به برداشت حداقلی از دولت می‌گردید. برداشت حداقلی از دولت منجر به برداشت حداکثری از جامعه و بخش خصوصی می‌گردید. از سوی دیگر کارکرد دولت‌ها مطابق تئوری اخیر به هماهنگ‌کننده، تسهیل گر و کمک‌کننده تقلیل می‌یافت، در جهت مقابل نقش نهادهای غیردولتی بسط و توسعه می‌یافت. دیگر با توجه به الزامات این تئوری دولت دارای نقش توأمان هماهنگ‌کننده و اجراکننده نبود بلکه این قسمتی از سیاست‌گذاری و بخش عمده‌ای از اجرا به غیر دولت‌ها واگذار گردید. از سوی دیگر جهانی‌شدن اگرچه پدیده‌ای

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

جدیدی است ولی انقلاب فن آورانه منجر به آغاز موج جدید از روند جهانی‌شدن گردید. جهانی‌شدن آموزش نیز قسمتی از جهانی‌شدن تعبیر و تفسیر گردیده است. برای نمونه از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ دانشمندان آمریکایی مقالات مشترکی را با دانشمندانی از ۱۷۳ کشور تهیه نموده‌اند.(Human development report, 2001,P.44)

نتیجه دو تحول عمده فوق‌الذکر تغییرات پارادایمی گسترده‌ای در آموزش عالی بود. پیامد تغییر پارادایمی ایجادشده این شد که:

- اجماع گسترده‌ای در مورد نقش تسهیل گرا نه و هماهنگ‌کننده و کمک‌کننده دولت‌ها فراهم شد.
- پذیرش تئوری دولت حداقلی منجر به واگذاری نظام‌های آموزش عالی به بخش‌های خصوصی و نهادها و مؤسسات غیردولتی.
- ضرورت‌های جهانی‌شدن منجر به افزایش نقش مقررات بین‌المللی و جهانی در راهبری نظام‌های آموزش عالی گردید.
- پذیرش الزامات سیاست تعدیلی ساختاری منجر به گرایش به مدل بازار در اداره دانشگاه‌ها گردید.
- پذیرش تئوری دولت حداقلی منجر به افزایش اعطای استقلال گسترده به دانشگاه‌ها و نیز افزایش خودمختاری در حوزه امور مدیریتی و مدیریت منابع مالی گردید.

جدول تطبیقی تغییرات پارادایمی صورت گرفته در فضای پیشا و پسا وستفالیایی

مورد تحلیل	تئوری غالب	نقش دولت	الزامات پذیرفته شده	مدیریت آموزش عالی	نقش نهادهای غیر دولتی	میزان خود مختاری دانشگاهها	حمایتهای آموزش عالی غیر دولتی
فضای وستفالیایی، پیشا جهانی شدن	دولت حداکثری	حداکثری	تئوری حاکیمت ژان بدن	دولتی	حداقلی	پایین	پایین
فضای پسا وستفالیای، جهانی شدن	دولت حداقلی	حداقلی	سیاست تعدیل ساختاری	دولتی و غیر دولتی	حداکثری و متوسط	بالا	بالا

در زیر با توجه با جدول تطبیقی تهیه شده به بررسی تغییرات پارادایمی رخ داده در سه مورد پژوهی جداگانه شامل اتحادیه اروپا، ژاپن و ایالات متحده امریکا می پردازیم.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

الف: مورد پژوهی سیاست ها و تغییرات پارادایمی آموزشی عالی در اتحادیه اروپا

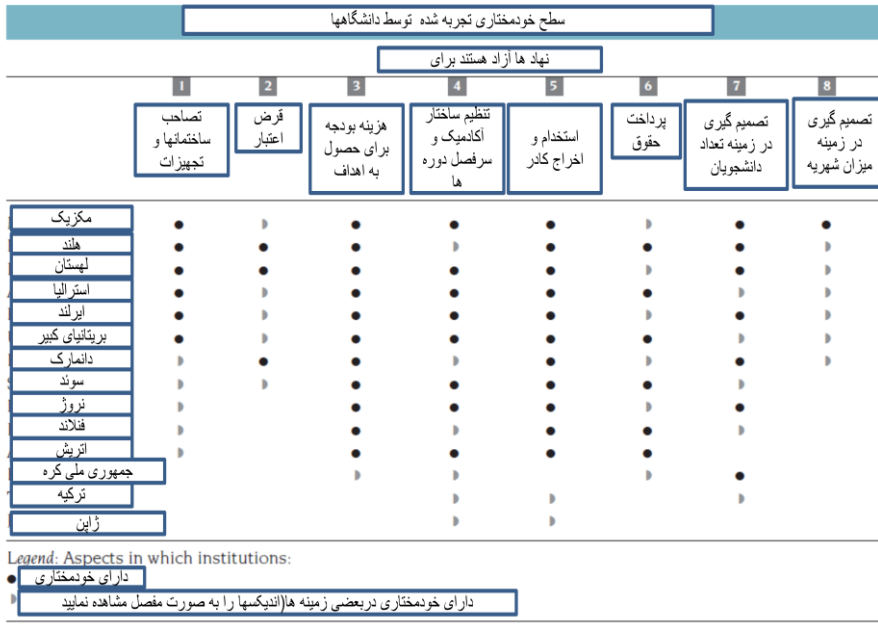
اتحادیه اروپای نمونه ای بسیار جالب از تغییر پارادایمی و کاربست الگوی دولت حداقلی و نیز الگوی برای بررسی نظام آموزشی عالی در فضای پسا وستفالیایی و در عصر جهانی شدن است. از دید اتحادیه اروپا همکاری های فرا آتلانتیکی آموزش، عنصر مهم توسعه آموزش عالی دیده شده که توانسته باعث تعمیق روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده گردد. (Smallwood, Stevenson, Auman, 2007: p 27)

موضوع مهم دیگر این است که در کشورهای اروپایی در قرن بیستم حکومت‌ها نفوذ و کنترل گسترده‌ای را بر تمامی بخش‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به‌منظور رسیدن به توسعه اقتصادی، مساوات و برابری اجتماعی اعمال می‌نموده‌اند. از سوی دیگر اعتقاد عمومی وجود داشت که برنامه‌ریزی مرکزی در حوزه دانش بی‌فایده و مثمر ثمر نخواهد بود. این درحالی‌که اجماع جدی وجود داشت که مکانیم بازار مؤثر و سودمندتر و اثربخشی بیشتری دارد. ازاین‌روی نظام آموزش عالی با چالش‌های جدیدی مواجه بود. از یک‌سو حکومت‌ها می‌خواستند از دانشگاه‌ها به‌عنوان اهرمی برای اهداف اقتصادی و توسعه‌ای خود بهره ببرند و از سوی دیگر مسئله این بود که دولت‌ها می‌توانند بدون ایجاد استقلال در نظام دانشگاه‌های به این اهداف نائل شوند.(Changing pattern of governance Higher education, 2003:p61)

اما مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که دولت‌ها در کشورهای اتحادیه اروپا به اشکال متعدد با تأکید بر استقلال و خودمختاری دانشگاه‌ها از دانشگاه‌ها و توان آن‌ها برای حصول به اهداف توسعه‌ای خود بهره برده‌اند و این موضوع نشانه‌ای از چرخش در ماهیت دولت ژان بدنی به دولت حداقلی مدنظر سیاست تعدیل ساختاری بوده است. بررسی‌های نشان می‌دهد دانشگاه‌ها در کشورهای اروپایی در راستای سیاست‌های دولت حداقلی از درجه بسیار بالای از خودمختاری برای تنظیم سیاست‌های آموزشی و اولویت‌های آموزشی در مجموعه گسترده‌ای فعالیت‌ها برخوردار شده‌اند.

از سوی دیگر این موضوع به معنی خروج تمام‌عیار دولت از این عرصه آموزش عالی نبوده است. کنترل نهادهای مرکزی هم از طریق اعطای اعتبارات، تعیین میزان شهریه‌ها و غیر اعمال می‌گردد. به شکل زیر نگاه نماید. (Changing pattern of governance higher education,2003:p63)

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]



اما علیرغم اقدامات رسمی قانونی و دولتی در گسترش اعطای خودمختاری به دانشگاه‌ها، این تغییرات با مکانیزم‌های نوینی برای مداخله، نظارت و کنترل فعالیت‌های و اعتبارات دانشگاه‌ها همراه بوده است و این نشانه گونه‌ای جدید از نفوذ و کنترل حکومت در دانشگاه‌ها بوده است؛ که این اقدامات شامل اقدامات زیر بوده است:

- حکومت مکانیزم‌های مالی و اعتباری جدیدی را در قسمت اعظم فعالیت‌های دانشگاه‌ها در شاخص‌های تعیین‌شده به وجود آورده است.
- خودمختاری دانشگاه‌ها به دلیل افزایش ارزیابی‌های گسترده خارجی تحدید شده است. به‌ویژه در هلند، دانمارک دولت‌ها دانشگاه‌ها را مجبور به پذیرش ارزیابی‌های کیفی بیرونی به‌عنوان پیش‌شرط فعالیت‌های خود نموده‌اند. این ارزیابی‌ها درزمینه حسابرسی ستادها و نتایج و همچنین کنترل ورودی‌ها از طریق قراردادهای وظیفه محور[1] یا توزیع و تخصیص منابع شاخص محور[2] بوده است.

[1] Task oriented contract
[2] Indicator –oriented resource distribution

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

توجیه حکومت‌های مذکور درزمینه افزایش مداخله در امور دانشگاه‌ها این بوده است که:

- نظام آموزش عالی سود و منافع اجتماعی و فردی زیادی را در برابر آنچه مستقیماً به‌وسیله افراد درگیر به وجود می‌آورد و ازاین‌روی بدون یارانه‌های دولتی، سرمایه‌گذاری کمی در آموزش عالی صورت خواهد گرفت.
- گام‌های ضروری قابل‌توجهی برای تضمین این موضوع وجود دارد که دانشجویان با درآمد کم متضرر نشوند.
- دانشجویان و شاغلین و قسمت اعظم جامعه نیاز دارند که در ارتباط باکیفیت نظام آموزش عالی اطمینان یابند.. (CHANGING PATTERNS OF GOVERNANCE IN HIGHER EDUCATION,2003:p64)

البته لازم به شرح است که در بیشتر کشورهای اروپائی ترکیبی از نفوذ دولتی و آزادی‌های نهادی دانشگاه‌ها وجود دارد. دخالت دولت‌ها عموماً شامل تضمین جنبه‌های متفاوت از حسابرسی مالی، پاسخگویی برای افزایش کیفیت تحقیق، پاسخگویی نهادی و حمایت از منافع گروه‌های آسیب‌پذیر است. (CHANGING PATTERNS OF GOVERNANCE IN HIGHER EDUCATION, 2003:p65)

از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین سوا لات اساسی این تحقیق بررسی شیوه‌های حمایت دولت‌ها از دانشگاه‌ها است. در این زمینه دولت‌ها رویکردهای متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند. در کشورهایی که دولت این ایده را پذیرفته که اعتبارات خود را در بخش خصوصی و آموزش غیردولتی استفاده نماید، عموماً حمایت‌های دولتی از دانشگاه‌های غیردولتی در دو زمینه، تأمین اعتبارات مالی و نیز حمایت‌های مستمر از بخش خصوصی بوده است. اشکال حمایت‌های دولتی از نظام آموزش عالی غیردولتی و خصوصی آشکارا به‌صورت زیر بوده است:

- حمایت‌های مستقیم از طریق اعطای گرنت[1]، پول, اعطای زیرساخت‌ها به شرکت‌ها و بخش‌های غیردولتی خارجی و داخلی که خواهان تأسیس دانشگاه‌های غیردولتی هستند. در بعضی از این کشورها اعطا و بخشش پول از طریق وزارتخانه‌های صنایع و تجارت و یا از طریق هیئت‌های سرمایه‌گذاری کل صورت می‌گیرد.
- حمایت‌های مستقیم از طریق اعطای مجوز برای بهره‌مندی از تسهیلات عمومی نظیر شبکه‌های ملی آکادمیک اینترنت و نظام کتابخانه‌های موجود همانند بخش عمومی است.

[1] Grants

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

- حمایت‌های غیرمستقیم با ارائه مجوز به سرویس‌دهندگان بخش غیردولتی برای بهره‌گیری از بخشش‌های و پرداخت‌های مالیاتی و یا واگذاری وظایف وارداتی همانند بخش عمومی.
- حمایت‌های مستقیم از دانشجویان و کارمندان این بخش‌ها با بهره‌مندی از بخشش‌ها و استفاده از بورس‌ها و scholarships ها و وام‌های قابل‌دسترس همانند دانشجویان و کارمندان بخش دولتی و عمومی.
- حمایت‌های غیرمستقیم از طریق تشویق محققین آکادمیک در بخش غیردولتی همانند کارکنان آکادمیک بخش عمومی.
- اعطای و پرداخت پاداش به هیئت‌های آکادمیک دانشگاه‌های غیردولتی که مدارج علمی و صلاحیت‌ها و کیفیات علمی و تحقیقاتی برجسته‌ای را کسب نموده‌اند. (Bjarnason,Cheng Ming –Kai, Fielden,2009:p38)

از سوی دیگر حمایت‌های دولتی از آموزش عالی خصوصی و غیردولتی عطفی است به منابع اعتباری اولیه است که شامل:

- وام تجاری از طریق بانک‌هایی ملی یا سازمان‌های مالی بین‌المللی
- گسترش یا اعتبار سرمایه‌گذاری از شرکت‌های صنعتی و حامیان دیگر.
- اعتبارات سرمایه‌ای از بنیادهای خانوادگی و یا هیئت‌های مذهبی.
- کمک از طریق سازمان‌های خیریه، افراد و سازمان‌هایی که در این زمینه می‌توان به اقدامات موفق دانشگاه آقاخان پاکستان اشاره نمود.
- بنیادهای خیریه یا سازمان‌های اجتماعی.
- انباشت سرمایه‌های که به احداث ساختمان‌های موردنیاز تخصیص می‌یابند Bjarnason) ,Cheng Ming –Kai, Fielden:p40)

ب: مورد پژوهی سیاست‌ها و تغییرات پارادایمی آموزشی عالی در ژاپن

توسعه‌یافتگی ژاپن محصول سرمایه‌گذاری‌های گسترده این کشور درزمینه دانشگاه‌های و آموزشی بوده است. درواقع انقلاب میجی (۱۸۶۸–۱۹۱۲) را می‌توان سرآغاز برنامه‌های جدی سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی این کشور دانست. نظام آموزش عالی در ژاپن پیش از جنگ جهانی دوم سیستم مدیریت بوروکراتیک خوب سازمان‌یافته‌ای متشکل از دانشگاه‌های دولتی،

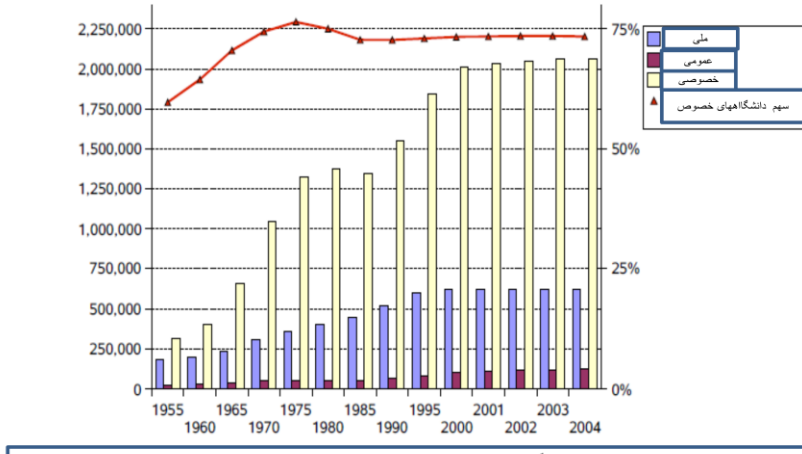
[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

محلی عمومی و خصوصی بودند که با سرمایه‌گذاری گسترده دولتی تشکیل و تأسیس‌شده بودند.(Jun Oba,2005:p5)

تعداد نهادهای آموزش عالی به تفکیک نوع و بخش ها از سال 1943

	دانشگاهها دانشگاه امپریال	مدارس اختصاصی شده	کل
حکومتی(ملی)	19 [7]	58	77
عمومی و محلی	2	24	26
خصوصی	28	134	162
کل	**49 [7]**	**216**	**275**

دهه بین ۱۹٦۰ تا ۱۹۷۰ دهه گسترش پرسرعت نظام آموزش عالی در ژاپن بوده است. در این دوره، دانشگاه‌های خصوصی در ژاپن از رشد پرسرعت‌تری برخوردار بودند. (جدول زیر نشان‌دهنده سهم دانشگاه‌های خصوصی، محلی عمومی و دولتی در نظام آموزش عالی در ژاپن از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰٤ را نشان می‌دهد.)(Jun Oba,2005:p6)



تعداد دانشجویان دانشگاهها (شامل دانشجویان فارغ التحصیل شده)به تفکیک بخش ها

در ارتباط با نظام آموزش عالی در ژاپن بایستی گفت که، ویژگی اساسی آموزش عالی در ژاپن حضور بخش خصوصی در نظام آموزش عالی این کشور و نقش اساسی آن در توده‌ای نمودن آموزش در این کشور است. تقریباً از می سال ۲۰۰٤ تعداد ۹۹۳ دانشگاه خصوصی در این

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

کشور به همراه ۱۲۱۷ کالج به‌صورت خصوصی تأسیس و مشغول آموزش مشتاقان علم در این کشور هستند.(Oba,2005:p8)

رویکرد کلی حکومت ژاپن در ارتباط با آموزش عالی که توسط شورای ملی ترسیم گردیده شامل موارد زیر است:

- اصلاح و بهبود کیفی آموزش و تحقیقات باهدف توانمندسازی درزمینه تحقیقات.
- تأمین و تضمین خودمختاری دانشگاه‌ها از طریق ساختار بسیار منعطف آموزشی و تحقیقات.
- ایجاد مدیریت دانشگاهی پاسخ‌گو در برابر تصمیم‌گیری‌های متخذه.
- ایجاد سیستم چندگانه به‌منظور افزایش کیفیت آموزش و تحقیقات در این کشور. (Oba:p10)

درزمینه حمایت‌های دولتی از آموزش عالی بایستی گفت که، در ژاپن اقدامات حمایتی دولت، شامل ارائه یارانه به دانشگاه‌های دولتی و خصوصی بوده است. البته قابل‌ذکر است اعطای یارانه‌ها به دانشگاه‌ها به‌عنوان راهی برای اعمال نظارت دولت در مورد دانشگاه‌ها برای تبعیت از نظام سهمیه‌ها و سایر شرایط بوده است. مطابق قوانین ژاپن درصورتی‌که دانشگاهی خصوصی نتواند سهمیه دانشجویی معین‌شده برای دانشگاهش را جذب کند یارانه‌های پرداختی دولت را از دست می‌دهد. طبق برآوردهای انجام‌شده در سال ۲۰۰۵، ۱٦۰ دانشگاه از ٥٤۲ دانشگاه خصوصی جذب دانشجوی کمتری از سهمیه تعیین‌شده را داشته‌اند..) Bjarnason,Cheng Ming –Kai, Fielden:p42)

بخشی از کمک‌ها و حمایت‌های دولت ژاپن از آموزش عالی غیردولتی را می‌توان در قالب محورهای زیر نشان داد

- پرداخت یارانه به‌منظور بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات به این دانشگاه‌ها.
- اعطای استقلال و واگذاری اختیارات بیشتر در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی به دانشگاه‌های غیردولتی.(لیاقت دار، کریمی،۱۵۲:۱۳۹۱)
- ایجاد ساختارهای قوی حقوقی و قانونی برای فعالیت‌های دانشگاه‌های غیردولتی در این کشور.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

ج: مورد پژوهی سیاست‌ها و تغییرات پارادایمی آموزشی عالی در ایالات‌متحده امریکا

ایالات‌متحده امریکا نمونه بسیار جالبی برای تحلیل روندهای جدید در آمورش عالی و نمونه برجسته از تغییرات پارادایمی در آموزش عالی و به‌خصوص حمایت‌ها از آموزش عالی غیردولتی است. از سوی دیگر این کشور نمونه‌ای از تز توده‌ای سازی نظام آموزش عالی و نمونه ایده‌ال از نظام آموزش عالی غیردولتی با خودمختاری و استقلال بالا است.

از اقدامات بسیار مهم دولت در سال‌های اخیر تصویب قانون بازیافت و سرمایه‌گذاری مجدد[1] در سال ۲۰۰۹ بوده است که هدف آن اعطای کمک‌های بی سابق برای انجام کارهای تحقیقاتی و آموزشی بوده است.

(http://www2.ed.gov/policy/gen/leg/recovery/factsheet/overview.html)

از اقدامات مهم قانونی صورت گرفته در آمریکا در خصوص آموزش عالی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- قانون موریل[2] در سال ۱۸٦۲ که در سال ۱۸۹۰ و سال ۱۹۹٤ مجدداً مورد اصلاح و توسعه قرار گرفت که به اعطای زمین به نهادهای آموزش متمرکز و قانونی که آمریکا را به‌عنوان یک کشور جوان در مسیر تبدیل به قدرت جهانی قرارداد.
- لایحه ۱۹٤٤ جی‌ای[3] بخشش‌های گسترده‌ای را در اختیار رزمندگان جنگ بعد از بازگشت از جنگ جهانی دوم اعطا نمود.
- قانون آموزش دفاع ملی ۱۹۵۸[4] که مطبق آن دولت کمک‌های گسترده‌ای را در اختیار دانشگاه‌های بخش خصوصی و دولتی برای رقابتی سازی علوم در آمریکا، ریاضیات، آموزش فنی و آموزش زبانه‌ای خارجی فراهم آورد.
- برنامه گرنت پل[5] شامل قانون آموزش عالی سال ۱۹٦۵ به‌منظور دموکراتیزه سازی دسترسی‌ها به آموزش عالی تدوین و مطابق آن امکان گسترده‌ای برای دسترسی دانشجویان به‌غیراز رزمندگان جنگ دوم جهانی برای کمک مالی برای ورود به دانشگاه‌ها فراهم آورد. (*Yudof: p4.*) از سوی دیگر کمک‌های دولت به دانشگاه‌ها در این کشور

[1] Recovery and Reinvestment Act of 2009 (ARRA)
[2] The Morrill Act of 1862
[3] The GI Bill of 1944
[4] The National Defense Education Act of 1958
[5] The Pell Grant program

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

برای ایجاد زیر ساخته‌ای دانشگاهی و سایر هزینه‌های عملیات اجرایی باعث محدود شدن فشار دانشگاه‌ها برای افزایش شهریه‌ها شده است و این امکان گسترده‌ای را برای ورود دانشجویان از طبقات کم‌درآمد و طبقات متوسط به دانشگاه‌های این کشور را فراهم آورده است.(*Yudof: p8.*)

از اقدامات مهم در آمریکا تخصیص اعتبارات ویژه‌ای برای بخشی از گروه‌های اقلیت‌های قومی و به‌ویژه سیاه‌پوستان و آمریکایی‌های افریقا تبار وزنان برای ادامه تحصیل است. (Steve And Kretovics, Kretovics,2005:p14)

به هر صورت در ایالت متحده آمریکا گرنت‌های اعطای دولت فدرال شامل پنج نوع گرنت زیر است:

- گرنت رقابتی سازی آکادمیک
- گرنت فرصت‌های آموزشی تکمیلی فدرال
- گرنت هوشیار ملی
- گرنت آموزش عالی و کالج‌ها برای همکاری آموزش معلمان
- گرنت فدرال پیل

(http://studentaid.ed.gov/students/attachments/siteresources/Grant_Programs_Fact_Sheet_04_2009.pdf)

وام‌های پرداختی دولت به دانشجویان نیز در قالب وام‌های زیر هست:

- وام استانفورد
- وام پارکینز
- وام مازاد برای خانواده‌ها
- وام مازاد برای دانشجویان فارغ‌التحصیل و متخصص.

(http://studentaid.ed.gov/students/attachments/siteresources/Grant_Programs_Fact_Sheet_04_2009.pdf)

ضمن اینکه دولت فدرال اقدام به انجام برنامه‌هایی در قالب اعتبارهای مالیاتی و انگیزشی[1] نموده است که در حال حاضر مشتمل بر دو نوع زیر است که شامل:

- کردیت فرست آمریکن[2]

1 Tax Credits and Incentives
2 American Opportunity Credit

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

- کردیت مادم العمر[1] آموزشی

همچنین در قالب برنامه کمک مالی دولت فدرال، سایر کمک‌های مالی به دانشجویان در قالب اعطای بورسیه‌ها و اسکولارشیپ های زیر است که شامل:

- برنامه اسکولارشیپ افتخاری رابری سی برد[2]

برنامه فلوشیپ[3] جاکوب کی

جاویتز.((http://www.fsa4counselors.ed.gov/clcf/Scholarships.html)

نکته جالب اینکه کشور آمریکا گام‌های بسیار بزرگی را برای خصوصی‌سازی نظام آموزش عالی و غیردولتی کردن آن برداشته است و این باعث کاهش کنترل‌های دولتی در این کشور شده نتیجه این موضوع، این بوده که دانشگاه درزمینه ارائه خدمات خود بسیار مسئول‌تر و خلاق‌تر عمل می‌نمایند(Steve And Kretovics,Kretovics,P42)

در جدول زیر کمک‌های اعطایی نهادهای دولتی به دانشجویان و خانواده‌های در این کشور در سال مالی ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲ نشان داده می‌شود. (Michael, p60)

1 Lifetime Learning Credit

2 Robert C. Byrd Honors Scholarship Program

3 Jacob K. Javits Fellowship Program

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

کل کمکهای مالی اعطایی به دانشجویان با منبع در سال 2001-2002	
برنامه کمک	مبلغ
برنامه فدرال	
گرنت بیل	$7,242,000,000
گرنت اعطای فرصتهای آموزش تکمیلی	$614,000,000
اهرم همکاری آموزشی مشارکتی	$25,000,000
کارمطالعه‌ای فدرال	$1,002,000,000
وام پارکینز	$1,058,000,000
برنامه کمکهای مستقیم فورد	
وام یارانه ای استافورد برای دانشجویان	$6,039,000,000
وام یارانه ای استافورد برای دانشجویان	$3,775,000,000
وام برای خانواده دانشجویان کارشناسی	$1,208,000,000
برنامه وام اموزشی خانواده فدرال	
وام یارانه ای استافورد برای دانشجویان	$11,969,000,000
وام یارانه ای استافورد برای دانشجویان	$8,484,000,000
وام برای خانواده دانشجویان کارشناسی	$2,190,000,000
جمع جزئی	$43,605,000,000
وام مستقیم ویژه	
وام برای رزمندگان و جانبازان جنگی	$1,481,000,000
نظامی	$484,000,000
گرانت های دیگر	$250,000,000
وام های دیگر	$110,000,000
جمع جزئی	$2,365,000,000
کل کمکهای فدرال	$45,970,000,000
برنامه گرنت ایالتی	$3,528,000,000
برنامه وام حمایتی ایالتی	$438,000,000
وام بخش خصوصی	$1,979,000,000
گرنتهای نهادیی و سایر	$12,209,000,000
کل کمکهای اعطایی ایالتی ، فدرال ، نهادی و سایر	$64,124,000,000
Source: http://chronicle.com/weekly/almanac/2000/facts/2103stu.htm	

ارزیابی یافته‌های تحقیق:

همان‌گونه که در مورد پژوهش‌های انجام‌شده نشان داده شد پذیرش الزامات جدید در ساحت سیاست و دولت در کشورهای موردبررسی، شیوه عمل دولت‌ها درزمینه آموزش عالی را تغییر داده است و این موضوع منجر به ایجاد تغییرات پارادایمی گسترده‌ای گردیده است که دولت را از دولت‌های هژمون مطرح‌شده در نظریه‌های آموزش عالی خارج نموده است و این موضوع امکان بیشتری را برای خودمختاری و استقلال نظام آموزشی، حمایت‌های گسترده از آموزش عالی غیردولتی و بالا بردن شاخص آموزش عالی جهانی شده را سبب گردیده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

یافته اصلی این پژوهش این است که دولت‌های اتحادیه اروپا به اشکال متعدد با تأکید بر استقلال و خودمختاری دانشگاه‌ها از دانشگاه‌ها و توان آن‌ها برای حصول به اهداف توسعه‌ای خود بهره برده‌اند.

یافته‌های مرتبط به ژاپن نشان داد که. دولت ژاپن علیرغم خصوصی‌سازی گسترده در این حوزه سیاست‌های نظارتی گسترده‌ای را اعمال نموده است و ازاین‌روی، حمایت‌های دولتی به افزایش کیفیت و حصول به شاخص‌های ارتقاء کیفی منوط گردیده است.

درزمینه ایالات‌متحده امریکا همان‌گونه که داده‌های این تحقیق نشان دادند، آمریکا پیشرو اجرای برنامه‌های جدید شده که به جهش توسعه‌ای این کشور رقم‌زده است.

نتیجه‌گیری:

در پژوهش حاضر نشان داده شد که ایالات‌متحده در امریکای شمالی و ژاپن و کشورهای اتحادیه اروپا نشان داده‌اند که دارای ابتکارات بسیار جدی در زمینه سیاست‌های حمایتی از آموزش عالی دولتی و خصوصی هستند. در این تحقیق نشان داده شد که شیوه‌های حمایتی از آموزش عالی می‌تواند متفاوت باشد. تفاوت حمایت‌ها به توسعه‌یافتگی ساختاری و سیستمی کشورها نیز ارتباط دارد.

به هر صورت به‌عنوان پیشنهادات راهبردی برای نظام آموزش عالی در ایران پیشنهاد این است سیاست دولت بایستی مبتنی بر ایفای نقش‌های حمایتی، تسهیل گرانه، کمک‌کننده و با الزام دانشگاه‌ها به افزایش کیفیت مطابق مدل بومی‌شده باشد.

- دولت در ایران بایستی وزن اساسی خود را به حمایت به‌جای نظارت قرار دهد. دخالت‌های غیر آکادمیک در امور دانشگاهی باعث کاهش کیفیت و دلسردی افراد درگیر در این حوزه و در کوتاه‌مدت خروج متخصصین از کشور و نیز گرایش به اخذ مدارک از دانشگاه‌های بی‌کیفیت خارجی خواهد شد.
- راهبرد دولت بایستی در راستای تضمین آزاداندیشی آکادمیک در دانشگاه‌ها و جلوگیری از تحمیل برنامه‌های باشد که آزاداندیشی در نظام آموزشی را با محدودیت مواجه می‌سازد. عدم تضمین این موضوع می‌تواند منجر به رکود گسترده در نظام آموزش عالی شده و مانع اساسی شکل‌گیری دانش بومی و ملی را فراهم آورد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

- دولت در ایران بایستی سمت‌وسوی سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی خود را به‌گونه‌ای تضمین نماید که به‌عنوان اقدامی در راستای سند چشم‌انداز با افق ۱٤۰٤ اعتماد بخشی گسترده‌ای را به‌نظام آموزش عالی دولتی و به‌ویژه غیردولتی فراهم آورد.
- نظام آموزش عالی به‌عنوان یک نظام پویا و هوشمند، دارای دو بعد کمی و کیفی است. رشد موزون، متناسب و متعامل این نظام هم مستلزم رشد هر دو بعد کمی و کیفی به‌موازات یکدیگر است. باید توجه داشت که توسعه و گسترش کیفی نظام آموزش عالی بدون در نظر گرفتن کمیت، به محرومیت انسان‌ها از حق تحصیلات و افزایش تبعیضات اجتماعی منتهی می‌شود. رشد گسترش کمی آن نیز بدون توجه به کیفیت، مسائلی چون ترک تحصیل، بی‌سوادی، افت تحصیلی، مردودی، وابستگی علمی، عرضهٔ نیروی انسانی متخصص مازاد و عدم فرصت جهت خلاقیت را به وجود می‌آورد (قورچیان، ۱۳۷۳، ص ۲۰)
- سیاست‌گذاری‌های دولتی بایستی به‌سوی تضمین راهبری چندجانبه دانشگاه‌های کشور و ایجاد شرایط لازم برای مشارکت گروه‌های متعدد در اداره دانشگاه‌های کشور باشد.
- از سوی دیگر با توجه به افزایش نقش برگ خریدهای بین‌المللی در پارادایم‌های جدید آموزشی دولت در ایران می‌تواند با ارزیابی ماهیت برنامه‌های دولت‌ها و به‌خصوص کشورهای غیر متعهد مسلمان به تعاملات بین‌المللی دانشگاه‌های این کشورها با دانشگاه‌های کشورمان سرعت دهند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع:

- محسنی، منوچهر (۱۳۷۰). *مقدمات جامعه‌شناسی*، تهران، نشر دیبا.
- حکیمیان حسین و مشاور زیبا (۱۳۸۳). *دولت و تحول جهانی، اقتصاد سیاسی گذار در خاورمیانه*، ترجمه عباس حاتمی زاده، تهران: انتشارات کویر.
- رابینز، وبستر (۱۳۸۵). *عصر فرهنگ فناورانه: از جامعه اطلاعاتی تا زندگی مجازی*، ترجمه مهدی داودی، تهران: نشر توسعه.
- گیدنز آنتونی (۱۳۸٤). *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه‌ی محمدرضا جلائی پور، تهران: انتشارات طرح نو.
- پیر بوردیو: خشونت و قدرت نمادین. مجله اینترنتی فصل نو، دوشنبه ۲۲ شهریور سال ۱۳۸۹، سال پنجم شماره ٥٤.
- باتومور تی بی (۱۳۵۵). *جامعه‌شناسی*، ترجمه سید حسن منصور، سید حسن حسینی کلجاهی، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ربیعی علی، نظریان زهرا (۱۳۹۱). *موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهای جهت رفع آن‌ها*، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم، شماره سوم.
- ریگین چارلز (۱۳۸۸) *روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: انتشارات اگه.
- لیاقتدار محمدجواد، کریمی صدیقه (۱۳۹۱). *دانشگاه‌های غیردولتی در ژاپن: چالش‌ها و راهبردها*، فصلنامه انجمن آموزش عالی، سال چهارم، شماره سوم.
- قورچیان، نادر قلی و همکاران (۱۳۸۳)، دایره المعارف آموزش عالی، جلد ۱، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

- Michael Burton، Higley John (2006) elite's foundations of liberal democracy، published in United States of America by Rowman & littlefield publishers، Inc.
- Ritzer Georg (2003) the Blackwell companion to major classical social theorist, USA.published by Blackwell
- Turner S.Bryan (2009) the Cambridge dictionary of sociology, published by Cambridge university press.
- J.J.smolicz, (1999), privatization in high education: emerging commonalities and diverse education perspectives in Philippines',

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]

Australia, Poland and Iran, journal of development and societies, Vol.28, N2.

- King Roger (2009) governing universities globally: organization, regulations and ranking, UK, published by Edward Elgar publishing limited, p: 1.
- Altback Philip G. Forest James J.F (2007) international hand book of high education: Part One: Global Themes and Contemporary Challenges, Published by Springer.
- http://www.aftabir.com/articles/view/religion/philosophy.
- Human development report (2001)making new technologies work for human development، UNDP، published byNewyork،Oxford.
- Smallwood Anthony,Stevenson Melinda,Auman Sand(2007) European union: guide for American, http://www. Eurunion.org.
- Changing patterns of governance in higher education, (2003) *Education Policy Analysis* © OECD 2003, p61.
- Bjarnason Svava,Cheng Ming –Kai, Fielden Lohn (2009)Anew dynamic: private high education,UNISCO, world conference on high education 2009,printed in France.
- Jun Oba (2005) Higher education in Japan, incorporation of national universities and the development of private universities, paper prepared for seminar on high education to be held in Istanbul and Ankara,Turkey,Oba@Hiroshima-u.ac.jp,http://www2.ed.gov/policy/highered/leg/hea08/index.html.
- http://www2.ed.gov/policy/gen/leg/recovery/factsheet/overview.html.
- *Yudof G.Mark*, Exploring a New Role for Federal, Government in Higher Education.
- Michael O. Steve And Kretovics Mark A. Kretovics(2005)Financing higher education in a global market, by Algora Publishing.
- http://studentaid.ed.gov/students/attachments/siteresources/Grant_Programs_Fact_Sheet_04_2009.pdf.
- http://www.fsa4counselors.ed.gov/clcf/Scholarships.html.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-07]